

زمینه‌های امید و ناامیدی در انتخابات آینده ریاست جمهوری

«چه آقای احمدی نژاد رئیس جمهور شود و چه یک نامزد اصولگرای دیگر، مادام که سیاست‌های جاری دنبال شود، مشکلات اساسی کشور و مردم، اگر افزایش نیابد در همین حد باقی خواهد ماند.»

ما، سرمقاله این شماره راه توده را با این نقل قول، از آخرین مصاحبه آقای مصطفی تاج‌زاده عضو ارشد دو سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت آغاز می‌کنیم، زیرا با محتوای آن – علیرغم لکنت زبانی که بصورت طبیعی و زیر فشار امنیتی حاکم در آن نهفته است – کاملاً موافقیم.

پیش از ایشان، محمد خاتمی نیز در دو سخنرانی و اظهار نظر پیرامون انتخابات آینده ریاست جمهوری، سخنانی با همین مضمون و اشاره بر زبان آورده بود. از جمله اینکه "تا حاکمیت درک نکند با شیوه کنونی نمی‌توان مملکت را اداره کرد، به صحنه نخواهم آمد" و یا "می‌دانم اگر انتخابات آزاد باشد، اکثریت مردم چه چیز را می‌خواهند. زمانی تصمیم نهائی را برای شرکت در انتخابات می‌گیرم که مردم بخواهند."

محتوای این سخنان، که شاید از دهان افراد و شخصیت‌های دیگری هم در این دوران و به اشکال دیگر و با صراحت کمتر طرح شده باشد، آنست که باید فکری برای تغییر سیاست کلی در جمهوری اسلامی کرد. اگر شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، علیرغم همه پیش‌بینی‌های منفی پیرامون برگزاری آن، بتواند با کمک مردم نتیجه‌ای را به بار آورد که حاصل آن تغییر سیاست حاکم باشد، نه تنها باید آماده شرکت در آن شد، بلکه از هم اکنون باید مردم را آماده چنین تحولی کرد. یعنی، شرکت یا عدم شرکت در انتخابات در گروه یک "اگر" بزرگ است.

تردید نیست که حاکمیت کنونی و طراحان سیاست نظامی به آسانی شکست سیاسی خود را نخواهد پذیرفت و تن به عقب نشینی نخواهد داد. همچنان که می‌بینیم زیر فشار تحریم‌ها و بحران اقتصادی و از آن مهم‌تر، صرف عمده درآمد حاصل از نفت به پای این سیاست که به قیمت فقیرتر شدن مردم تمام شده، نه تنها تن به عقب نشینی نمی‌دهد، بلکه حاصل این سیاست را یک پیروزی برای خود نیز فرض کرده است. سخنان اخیر رهبر جمهوری اسلامی در برابر هیات دولت و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری روشن‌ترین و واضح‌ترین نمونه این فرض است. همانگونه که وعده ایشان برای ادامه دولت کنونی روی دیگر آن است. این که احمدی نژاد سکانتار بماند و یا فرد دیگری آنقدر مهم نیست که ادامه و یا پذیرش شکست سیاست نظامی مهم است. این شاید ظریف‌ترین نکته در باره انتخابات آینده ریاست جمهوری باشد و به همین دلیل ما آن را برجسته‌ترین نکته در آخرین اظهار نظر آقای تاج‌زاده می‌دانیم. اظهار نظری که در اولین روز هفته جای، در مصاحبه با پایگاه خبری "نوروز" طرح شد و ما نیز آن را مقدمه این سرمقاله خود قرار دادیم.

با ادامه این شناخت از انتخابات آینده ریاست جمهوری و انتقال این آگاهی و درک عمومی به جامعه است، که می‌توان مردم را با هدف تحمیل شکست سیاست جنگی به حاکمیت به صحنه آورد. آنچه در تمام اظهار نظرها، هنوز باندازه کافی مطرح نمی‌شود، همین نکته است. بسیار طبیعی است که صراحت بیان در برشمردن نتایج سیاست نظامی و تعمیق آگاهی عمومی مردم از آنچه زیر بنای تشدید بحران همه جانبه کنونی در کشور است به چند دلیل دشوار است و با موانع روبروست.

نخست هزینه امنیتی که به طرح کنندگان واقعیت تحمیل خواهد شد.

دوم، عدم دسترسی به وسائل ارتباط جمعی و ارتباطی با مردم. در این رابطه در شرایط کنونی، بسیار با اهمیت است که وسائل ارتباط جمعی فارسی زبان خارج از کشور به یاری نیروی مخالف سیاست نظامی در داخل کشور بشتابند. اما قبل از آنکه آن وسائل ارتباط جمعی جهت گیری‌های مثبت خود برای تعمیق آگاهی تحول سال مردم را بتوانند تعیین کنند، این نیروهای سیاسی، احزاب و شخصیت‌های سیاسی خارج از کشورند که با دسترسی داشتن به این وسائل ارتباط جمعی، میتوانند به جای هیاهو و پرداختن به حوادث و یا حادثه سازی‌های روز حاکمیت نظامی، جهت گیری عمده‌ای را که در بالا بر شمرده شد و شخصیت‌هایی نظیر آقایان محمد خاتمی و مصطفی تاج زاده به آن اشاره کرده‌اند عمیقاً درک کرده و آماده ورود به این میدان شوند. شاید تجربه ناکامی‌های ناشی از مواضع گذشته در برابر انتخابات دوم خرداد، دولت خاتمی، مجلس ششم، انتخابات دوره نهم که احمدی نژاد حاصل آن شد، این بار بتواند چشم و گوش‌ها را بیشتر باز کند و بجای پرواز بر بال پرندگان آسمانی، به زمین آمده و شانه به شانه مردم کوچه و بازار کشور و با در نظر گرفتن شرایط و امکانات خود را آماده حوادث آینده کنند.

ما، زمینه شتاب گیری مردم به سوی تعمیق آگاهی و شناخت واقعیات نظامی خفته در پشت شعارهای حکومت را بسیار مثبت می بینیم. دو رویداد ادامه دار گرانی و قطع برق و کمبود آب از یکسو، و مقایسه ای که مردم میان دولت احمدی نژاد و دولت خاتمی می کنند این شتاب را ممکن ساختند. این نوع حوادث را نباید دست کم گرفت، بلکه باید روی افشاگری پیرامون علل آن کار کرد و متمرکز شد. به همین دلیل است که می گوئیم می توان به سمت شرایطی رفت که قدرت مردم، قدرت حاکم نظامی را به زانو در آورد و رویای ادامه سیاست نظامی را - با احمدی نژاد و یا فرد دیگری با ماموریتی مشابه- نقش بر آب کند. رویای شومی که نباید اجازه داد تحقق یافته و دو فاجعه زیر را از خود باقی گذارد:

- ۱- جنگ و ویرانی و نابودی دستاوردهای اتمی و صنایع نظامی و ملی کشور،
- ۲- رفتن به سوی زد و بندها و معاملات بزرگ با امریکا و اسرائیل برای بقای خویش و تبدیل ایران به حیاط خلوت امریکا میان خلیج فارس و روسیه.

راه توده ۱۹۲ ۰۱،۰۹،۲۰۰۸